کارگردان «برزخی‌ها» و «ضدقهرمان» از گفت‌وگوی منتشرنشده‌اش با شهید علی لاریجانی در روزهای بحران دی‌ماه ۱۴۰۴ می‌گوید

«آخرش ظفره؛ چه با ما، چه بی ما»

گفت وگو

نرگس عاشوری
گروه فرهنگی

«بله، حق با شماست» از نگاه عارف افشـار این جمله کوتاه، کلید فهم بخشی از شخصیت فرهنگی و سیاسی شهید علی لاریجانی است؛ جمله‌ای که به گفته این مستندساز، بارها در گفت‌وگوی اخیرش با لاریجانی ـ در مقام دبیر شـورای عالی امنیت ملی ـ شـنیده و معتقد اسـت بر دو محور مهم تأکید داشـت: «پذیرش اشتباهات گذشـته و توجه جدی به نظر و رأی مردم.» عارف افشار، مستندسـازی که در «برزخی‌ها» به بازخوانی تندروی‌ها در جریان توقیف نخستین فیلم جنجالی پس از انقلاب پرداخته و در مسـتند «ضدقهرمان» تقابل دو جریان فکری و سیاسـی، صادق خلخالی و شـهید بهشتی را روایت کرده است، در بحبوحه بحران دی‌ماه ۱۴۰۴ گفت‌وگویی صریح با علی لاریجانی انجام داد؛ گفت‌وگویی که قرار است در قالب یک مستند منتشر شود. او در یادداشتی که در شب اعلام شهادت علی لاریجانی منتشر کرد، از او با تعبیر «شهید تهمت و آبرو» یاد کرد و بر جمله‌ای از همان گفت‌وگو تأکید گذاشت؛ جمله‌ای که به باور افشار می‌تواند خلاصه‌ای از نگاه لاریجانی به تحولات آن روزها باشد: «آخرش ظفره؛ چه با ما، چه بی ما» در گفت‌وگوی پیـش رو، عارف افشـار از فضـای آن دیدار، برداشت خود از ابعاد شخصیتی شهید لاریجانی در آن مقطع بحرانی و نیز از وجه کمتر دیده‌شـده فرهنگی او ـ از دوران مدیریت در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تا سال‌های اداره سازمان صداوسیما ـ سخن گفته است.

اگر قرار باشد از آن گفت‌وگو فقط یک جمله با یک ویژگی از شهید لاریجانی برایتان باقی بماند؛ چیزی که فکرمی کنید در تصویر سیاسی رایج از او کمتر دیده شده، آن چیست؟

برایم جالب و حتی غافلگیرکننده بود که یک شخصیت تراز اول و عالی‌رتبه تا این اندازه با آغوش باز پذیرای من باشد. این «پذیرا بودن» برای من معنای عمیقی داشت، چون من با همه انتقادها و با لحنی صریح و حتی گاهی تند وارد بحث شـدم، اما ایشان با متانت و وقار کامل شـنونده ماند. این فقط در حد شنیدن هم نبود. ما سال‌هاست اساساً مسأله شنیده نشدن یا خوب شنیده نشدن را تجربه کرده‌ایم، اما آن جلسه فراتر از شنیدن صرف بود. دکتر لاریجانی علاوه بر اینکه با دقت و متانت تمام حرف‌هایم را گوش می‌کرد، برای جزء‌به‌جزِ جملاتی که می‌گفتم همراهی نشان می‌داد؛ با وجود همه آن لحن و حرارتی که من در بیان حرف‌هایم داشتم. شاید کلیدی‌ترین جمله‌ای که از ایشان در ذهنم مانده و هنوز با همان آهنگ و لحن خاص صدایشـان در گوشم تکرار می‌شود این بود: «حق با شماست» این عبارت را میان حرف‌هایم، چندبار تکرار کردند. این جمله هم نوعی همدلی بود و هم از آن حرارت و خشم انباشته‌ای که طی سال‌های گذشته در درونم شکل گرفته بود می‌کاست و من را وارد فضای دیگری از گفت‌وگو می‌کرد. به نظرم این شـیوه مواجهه — از سوی شخصیتی در آن سطح از جایگاه سیاسی که معمولاً تصویر دیگری از او در ذهن داشتم یعنی فردی قاطع و در موقعیتی کاملاً بالا — بسیار متفاوت بود؛ اینکه با دقت می‌شنود، همراهی می‌کند و حتی تصدیق می‌کند و باز همان کلیدواژه‌ای که هنوز در ذهنم مانده است: «حق با شماست»

شهید لاریجانی با متانت و منطق، بیش از هر چیز به دنبال ریشه‌ها و علت‌ها بود. در عین حال نگاهش کاملاً عملیاتی و عمل‌گرایانه بود؛ یعنی همزمان به دنبال راه‌حل برای مسأله‌ای بود که با آن مواجه بودیم. به نظرم یکی از وجوه مهم تمایز او همین بود: اینکه در اوج بحران بتواند فاصله علت و معلول را دقیق ببیند و تشخیص بدهد و به دنبال ترمیم آن باشد

شما تجربه گفت‌وگو با چهره‌هایی را دارید که در لحظه بحران نقش مستقیم داشته‌اند. شهید لاریجانی را چقدر درگیر اکنون و چقدر فراتر از اکنون می‌دیدید؟

آن روزهـا در دل بحـران بودیم؛ اوایـل دی‌ماه و واقعـاً روزهای پرالتهابی را پشت سر می‌گذاشتیم. با این حال، به نظر من دکتر، مصـداق واقعی یک «فیلسـوف عمل‌گرا» بود. ایشـان در طول گفت‌وگو، با زبانی ساده، مدام به دیدگاه‌ها و آموزه‌های متفکران برجسته انقلاب، به‌ویژه شـهید مطهری و شهید بهشتی، ارجاع می‌داد و آنها را در نسبت با مسـائل روز تبیین می‌کرد. در پاسخ به موضوعات مختلفی که مطرح می‌کردیم، تأکید داشت که باید به همان آموزه‌ها بازگردیم. اساساً بخش مهمی از مشکلات امروز و سال‌های اخیر را به نوعی فاصله گرفتن از همان اصول و مبانی اولیه انقلاب می‌دانست؛ اصولی که به‌صورت دقیق و نظری توسط شهید مطهری تبیین شده و دکتر هم مکرر به آنها ارجاع می‌داد.

شاید در آن روزهای پرحرارت دی‌ماه ۱۴۰۴ طبیعی باشد که بسیاری از مسئولان بیشـتر درگیر هیجانات و مدیریت لحظه‌ای بحران باشند و حل فوری مسـائل را در اولویت قرار دهند، که البته کار درستی هم هست. اما در همان شرایط در همان ساعاتی که همه از شدت التهاب اوضاع باخبر بودیم، شهید لاریجانی با متانت و منطق، بیش از هر چیز به دنبال ریشه‌ها و علت‌ها بود. در عین حال نگاهش کاملاً عملیاتی و عمل‌گرایانه بود؛ یعنی همزمان به دنبال راه‌حل برای مسأله‌ای بود که با آن مواجه بودیم. به نظرم یکی از وجوه مهم تمایز او همین بود: اینکه در اوج بحران بتواند فاصله علت و معلول را دقیق ببیند و تشخیص بدهد و به دنبال ترمیم آن باشـد. همزمان تجربه‌های گذشـته را مدنظر داشته باشد و در عین حال نگاهی بلندمدت به آینده داشت، یعنی در حالی که با یک ابربحران مواجه هستید و می‌دانید ممکن است اتفاقات غیرمنتظره‌ای رخ دهد، باز هم تلاش می‌کنید با رجوع به علت‌ها، به رفع پیامدها فکر کنید. در کنار همه اینها، او از آینده هم صحبت می‌کرد؛ از اینکه تصمیم‌هایـی که امروز می‌گیریم چه اثری بر نسل‌های بعدی خواهد داشـت. به نظر من همین نگاه چندلایه — توجه همزمان به اکنون، ریشه‌ها و آینده — او را از بسیاری دیگر متمایز می‌کرد. این رویکرد در تک‌تک جملاتش کاملاً محسوس بود و می‌شد دید که با آگاهی و هوشیاری درباره همه این موضوعات فکر و تحلیل می‌کند.

شهید لاریجانی از معدود سیاستمدارانی بود که هم در مناصب حساس و هم مدیریت فرهنگی و رسانه‌ای را از نزدیک تجربه کرده است. آیا این ترکیب در نگاه او به جنگ و آینده کشور قابل تشخیص بود؟

ایشان هرجا که بودند یک نگاه اصیل داشتند و بر اساس همان مسیر و دیدگاه مأموریت‌ها و کارهایشـان را پیش می‌بردند. نگاه ایشان اساسـاً مردم‌محور بود؛ اصالت بخشـیدن به ظرفیت و قدرت مردم و بها دادن به هوشمندی و فهم مردم. معتقد بودند در روزگار انقلاب، شخصیت‌هایی مثل شهید مطهری و دیگرانی که در آن فضا و در محافل اندیشه‌ای آن روزگار فعال بودند ـ و حتی خطبایی که بعدها از دل همان جریان فکری وارد سیاست شدند ـ مباحث عقلی و منطقی مهمی را طرح می‌کردند. همین باعث می‌شد مردم به یک بلوغ ویژه برسند، قوه عقلشان درگیر شود و در کنار شور و هیجان طبیعی جامعه، به سمت خلق یک اتفاق بزرگ فرهنگی و سیاسی حرکت کنند؛ اتفاقی که در نهایت به انقلاب انجامید. این مسیر در دهه شـصت هم ادامه پیدا کرد. ایشان و کسـان دیگری که متعلق به همین جریان فکری بودند اعتقاد داشـتند که قدرت مردمی باید حفظ شـده و توجه به رأی و نظر مردم و دخیل کردن آنها در امور مختلف باید جدی گرفته شود. این رویه هم در حوزه سیاست‌ورزی ایشان و هم در دوره‌هایی که فعالیت فرهنگی داشتند، محسوس است. مثلاً زمانی که ایشان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌شوند، یکی از اولین تصمیم‌های مهم‌شان ماجرای آزادسازی ویدیو است. آن زمان این مسأله یک درگیری عمومی در جامعه ایجاد کرده بود و مردم با محدودیت‌های آن درگیـر بودند که ایشـان آن محدودیت‌ها را لغـو کردند. بعد هم وقتی وارد صدا و سیما می‌شوند، شـما دوره‌ای از شکوفایی سـازمان را می‌بینید؛ دوره‌ای که افـراد و هنرمندان با طیف‌های مختلف فکری وارد سازمان می‌شوند. بسیاری از هنرمندانی که تا آن زمان به‌دلیل محدودیت‌های نگاه مدیریتی دهه شصت، از جریان رسانه‌ای کشور ـ که عملاً در انحصار تلویزیون بود ـ دور مانده بودند، در آن دوره وارد سازمان شدند. حتی افراد زیادی با گرایش‌های روشنفکری هم به صدا و سیما آمدند. جریان تولید در سـازمان راه افتاد و خروجـی آن به‌سـمت بهره‌مندی عامه مردم پیش رفت. این نکته مهمی اسـت؛ یعنـی خروجی‌ای که در دوره مدیریت شهید لاریجانی در سـازمان صدا و سیما شکل می‌گیرد، دقیقاً در امتداد همان نگاه سیاسی است که بعدها هم در رفتارشان می‌بینیم؛ در نظرگرفتن آرا و سلیقه عمومی جامعه. اینکه همه مردم دیده شـوند و جامعه به بخش‌های جدا از هم تقسیم نشود. در حوزه سـرگرمی هم همین نگاه دیده می‌شود. مثلاً موسیقی پاپ در همان دوره، توسـط صدا و سیما رسمیت پیدا می‌کند. از حدود سال‌های ۷۵ و ۷۶ موسیقی پاپ به معنای رایجش وارد بازار می‌شود و مارکت شکل می‌گیرد. این‌ها همه در امتداد همان نگاه است؛ توجه به سلیقه عمومی و نگاه عمومی مردم. در حوزه سیاسـت هم همین‌طور است. شما هیچ‌وقت شهید لاریجانی را نمی‌دیدید که در انتهای یکی از دو طیف سیاسی کنشگری کند. رویه ایشان همیشه به‌گونه‌ای بود که با نظر اکثریت متکثر جامعه همخوانی داشته باشد. برآیند این نگاه را می‌توان در دوره‌هایی دید که ایشان در عالی‌ترین جایگاه‌های سیاسی و امنیتی کشور قرار می‌گیرد. مثلاً در دوره‌ای که برای نخستین‌بار مسئولیت شورای عالی امنیت ملی را بر عهده داشتند و ماجرای سال‌های ۸۴ تا ۸۶ در آن مقطع مطرح بود، نگاه ایشان حل‌وفصل مسأله هسته‌ای بود. در دوره بعدی هم که پس از جنگ ۱۲ روزه دوباره وارد این مسئولیت می‌شوند، نگاهشان این بود که در آن مقطع باید وظیفـه‌ای را که به عهده دارند بـه نفع عموم جامعه انجام دهند، حتی اگر در سال‌های قبل اختلاف‌نظرهایی وجود داشـت و محدودیت‌هایی برای ایشان ایجاد شـد. در مجلس هم همین‌طور بود. شـما نمی‌دیدید که ایشـان بخواهد خود را به‌عنوان نماینده یک جریان سیاسی خاص معرفی کند یا اصرار داشته باشد که حتماً این برچسب سیاسی به نامشان ثبت شود. در مقاطعی که کشور به اجماع نیاز داشت، تلاش می‌کرد میان نیروهایی که حتی از طیف‌های مختلف سیاسی بودند زمینه یک اجماع را فراهم و یک محمل مشترک طراحی کند که همه بتوانند ذیل آن قرار بگیرند. سه مجلسـی هم که ایشان ریاست‌شان را برعهده داشتند، کم وبیش محصول همین نگاه بود. حتی طی این چندماه اخیر و در شـرایط جنگ هم می‌تـوان این ویژگی را دید؛ قدرت اجماع‌سازی و همان نگاه اصیلی که به قدرت مردم و رأی عمومی داشتند. این‌ها در نوع مدیریت و کنش ایشان همیشه بود و همچنان آتاش را می‌توان دید.

برش

در یادداشت‌تان از تعبیر «شهید تهمت و آبرو» استفاده کرده‌اید. در آن گفت‌وگو، آیا نشانه‌ای از خستگی، فاصله‌گیری یا بی‌اعتمادی او نسبت به فضای سیاسی و قضاوت‌های عمومی احساس کردید؟

اتفاقاً بخشی از گفت‌وگوی ما به همان ماجراهایی مربوط می‌شد که برای ایشان اتفاق افتاده بود. من سؤال را ابتدا به‌صورت کلی مطرح کردم، اما ایشان با همان تیزهوشی همیشگی‌شان خیلی دقیق و صریح جواب دادند. وقتی چند مثال از چهره‌هایی آوردم که به‌دلیل رنجش‌ها یا تجربه‌های تلخ از فضای سیاسـی فاصله گرفته‌اند، ایشـان اتفاقاً رویکرد منفعلانه را نقد کردند. تأکید داشتند که در دنیای سیاست «قهر کردن» معنا ندارد؛ باید در میدان بود. همان‌جا مثال خودشان را زدند و به اتفاقات تلخ گذشته در حرم حضرت معصومه(س) اشاره شد. ایشان فرمودند: «آیا باید دلگیر می‌شدم یا قهر می‌کردم؟» اگر فیلم همان روز ۲۲ بهمن را نگاه کنید، حتی لحظه‌ای سخنرانی‌شان را قطع نکردند. هیچ تغییری در آهنگ، لحن یا حجم صدایشان دیده نمی‌شود؛ انگار نه انگار اتفاقی افتاده. زمانی که ریاست مجلس را برعهده داشتند و انواع تهمت‌ها متوجه ایشان شد هیچ‌وقت رویکردشان عوض نشد و نشانه‌ای از رنجش یا کناره‌گیری در رفتارشان نبود. بعد به‌طور مستقیم و جدی به مسأله ردصلاحیت‌ها پرداختند. تعریف کردند روزی که ردصلاحیت شدند، صبح فردا یا چند روز بعد ظاهراً برنامه کوهنوردی داشتند و حتی آن را جابه‌جا نکردند؛ رفتند کوه، مردم عادی را دیدند که از دیدنشان تعجب کرده بودند و حتی با مردمی که در شکل و شمایل ظاهری متفاوت بودند گفت‌وگویی هم بین‌شان شکل گرفت. یا بار دیگر که ردصلاحیت شدند، می‌گفتند: من کیفم را برداشتم و رفتم سر کلاس دانشگاه و زندگی‌ام را ادامه دادم. حتی در دوران جنگ دوازده‌روزه که هیچ مسئولیتی نداشتند، مسیر «عزلت‌نشینی» را انتخاب نکردند. می‌رفتند در هیأت‌های شهر، مخصوصاً جاهایی که رسانه داشت و دیده می‌شد، جلسات تبیینی برای عموم می‌گذاشتند. متکلم‌وحده نبودند؛ شرایط کشور را تبیین می‌کردند و مردم هم سؤال می‌پرسیدند و گفت‌وگو شکل می‌گرفت. اینها همه در حالی بود که هیچ مسئولیت رسمی نداشتند و بعدتر بود که دوباره به‌عنوان دبیر شورای امنیت ملی منصوب شدند. برای همین من هیچ نشانه‌ای از خستگی یا عقب‌نشینی در ایشان ندیدم. برعکس، در آن گفت‌وگو ما خیلی ناامید بودیم و می‌گفتیم شرایط این‌گونه است و چه کاری می‌شود کرد. اما ایشان مرتب تشویق‌مان می‌کردند که مسیرمان را محکم و جدی ادامه بدهیم و نباید خسته شویم. با لحن طنز و شیرینی هم گفتند: «هروقت احساس کردید خسته‌اید، مثل ما صبحش پاشید بروید کوه!»

با توجه به سابقه او در صداوسیما و مدیریت فرهنگی، نوع مواجهه‌اش با افکار عمومی و جامعه را در آن گفت‌وگو چگونه دیدید؟ آیا نگاهش بیشتر کنترلی بود یا گفت‌وگومحور؟

نوع نگاه ایشان به افکار عمومی و شیوه مواجهه‌اش با این مسأله کاملاً اقناعی و مبتنی بر مفاهمه بود. حالا شـاید درست نباشد وارد جزئیات آن گفت‌وگو شـوم، اما به‌طور کلی می‌توانم بگویم وقتی درباره چند موضوع مشخص از تاریخ سیاسی‌مان ـ از دهه شصت، هفتاد، هشتاد و حتی نود ـ صحبت می‌کردم، نکته اصلی ایشان این بود که تجربه‌های موفق ما زمانی رقم خورده که چنین رویکردی داشته‌ایم. ایشـان توضیح می‌داد که در آن تجربه‌ها، ابتدا مسـأله را با مردم در میان گذاشـته‌ایم؛ کلیات موضوع را مطرح کرده و فضایی در دانشگاه‌ها و رسانه‌های عمومی، به‌ویژه رسانه ملی، فراهم کرده‌ایم تا موافقان و مخالفان حرف‌هایشان را بزنند. به مردم فرصت داده‌ایـم موضوع را عمیق‌تر بفهمند و بعد از آن، مسـأله دوباره به رأی نمایندگان مردم گذاشته شده اسـت. یعنی حتی وقتی قرار بوده اتفاقی در مجلس بیفتد، باز مردم ـ از طریق نمایندگانشـان ـ در فرآیند دخیل بوده‌اند. از نگاه ایشان، مسائل اساسـی حکمرانی باید اقناعی پیش برود. مردم باید نسبت به موضوعات مهم قانع شوند تا بتوان از قدرت و همراهی آن‌ها استفاده کرد. ایشان اساساً معتقد بود که مفاهمه باید در جامعه شکل بگیرد و اقناع، اساس کارهای مهم حاکمیت باشد؛ چه در حوزه فرهنگ، چه در سیاست. واقعیتش این است که چنین نگاهی ـ که به مفاهمه و به نظر مردم اصالت می‌دهد ـ طبیعتاً رویکردی کنترلی نیسـت و آرای سلبی ندارد، بلکه به گفت‌وگو، تضـارب آرا و بحث‌های آزاد ضریب می‌دهد. ایشـان مثال‌هایی هم از دوران مدیریت خود در صداوسیما و بعدتر در مجلس و حوزه‌های دیگر بیان می‌کرد که قابل ارجاع است.

آخرین جمله ایشان در این گفت‌وگو یعنی «آخرش ظفره، چه با ما چه بی ما» را اگر نه احساسی، بلکه به‌عنوان یک موضع فکری بخوانیم، به نظر شما از چه نوع نگاه به تاریخ، قدرت و نقش فرد خبر می‌دهد؟

این جمله برمی‌گردد به همان مبنایی که ایشان مطرح می‌کردند. تأکیدشان این بود که هرجا مردم را همراه خود داشته‌ایم، پیروز بوده‌ایم. چه در مبارزات پیش از انقلاب، چه در پیروزی انقلاب، چه در جنگ و آن شـرایط عجیب ابتدایی و چه در سـال‌های بحرانی دهه شـصت، مخصوصاً سـال‌های ۶۰ و ۶۱. حتی پایان جنگ هم، با اینکه ظاهرش متفاوت است، باز محصول همین همراهی مردم است. می‌گفت هرجا مردم و حاکمیت فاصله‌ای نداشتند و همه یکدست حرکت کرده‌اند، نتیجه پیروزی بوده است. همه ما یک مردمیم و کسانی هم که در مناصب و مصادر قدرت قرار می‌گیرند از دل همین مردم‌اند؛ بنابراین قرار نیست میان «مردم» و «قدرت» شکافی باشد. به‌زعم ایشان، تا وقتی این اتصال و همراهی برقرار است، ما برنده میدانیم؛ چون یک بلوغ جمعی و یک تصمیم جمعی پشت ماجراست و همان مسیر را به جلو می‌برد. مثال می‌زد که در انقلاب کسی نیامد از بالا بگوید باید چنین شود و مردم هم مخالفت کنند؛ بلکه یک جریان ۱۵ ساله مبارزاتی طی شد و مردم خودشان به آن بلوغ و تصمیم رسیدند و با یک راهبر و مرشد که در صدر این حرکت حضور داشت، پیروزی انقلاب را رقم زدند. در مسـاله جنگ هم همین‌طور بود: اینکه مردم هشت سال با آن میزان از فداکاری همراه شدند، از جوانی و زندگی و همه چیزشان گذشتند و درعین‌حال احساس نارضایتی و اجبار نداشتند، ناشـی از همان نگاه اقناعی و همان مفاهمه میان مردم و حاکمیت بود؛ جایی که مردم همان حاکمیت‌اند و حاکمیت قدرتش را از مردم می‌گیرد. وقتی چنین نسبتی برقرار باشـد، نتیجه‌اش پیروزی اسـت؛ حالا گاهی شکلش می‌شود فتح خرمشهر، گاهی قطعنامه ۵۹۸ و ... همه اینها از نظر ایشان مصداق پیروزی مردم است. در جمع‌بندی نگاهشان این بود که هرجا توانسته‌ایم فاصله را کم کنیم و نگذاریم اساساً فاصله‌ای شکل بگیرد، آنجا محل پیروزی بوده است. این نگاه برمی‌گردد به همان اصالت‌دادن به نقـش مردم در راهبـری جامعه و در جریان قدرت.

اگر آن گفت‌وگو امروز، بعد از شهادتش، دیده شود، فکر می‌کنید کدام بخش آن بیش از همه برای مخاطب امروز معنا پیدا می‌کند و چرا؟

پیش‌بینی من این اسـت که همان بخش بـرای مخاطب امروز معنا و اهمیت بیشتری پیدا کند که در طول گفت‌وگو، در پاسخ به بسیاری از پرسش‌هایی که من درباره تجربه‌ها و به‌ویژه تجربه‌های گذشته مطرح می‌کردم، ایشان اشتباهات و تجربه‌های ناموفق گذشته را کاملاً می‌پذیرفتند؛ بدون اینکه بخواهند آنها را توجیه کنند. صریح می‌گفتند بله، در برخی جاها اشتباه کرده‌ایم و حتی دلایلش را هم توضیح می‌دادند. در مواردی هم که خودشـان در آن تصمیم‌ها یا روندها نقش داشتند، باز هم همان‌طور صریح می‌پذیرفتند و می‌گفتنـد بله، در آن بخش‌ها اشـتباه کرده‌ایم. نکته دیگری که برای من پررنگ بود، توجه ویژه ایشـان به نظر و رأی مردم بود. اگر بخواهم جمع‌بندی کنم، این دو محور به نظرم بسیار برجسته بود: یکی پذیرش اشـتباهات گذشته، و دیگری توجه و ضریب دادن به نظر و رأی مردم. در واقع کلیدواژه‌ای که این دو محور را خلاصه می‌کرد، جمله‌ای بود که چند بار در گفت‌وگو تکرار می‌کردند: «بله حق با شماست.»

آگهی تغییرات صندوق سرمایه‌گذاری بازنشستگی تکمیلی اندیشه
شناسه ملی ۱۴۰۱۳۲۸۰۲۸۷ و به‌شماره ثبت ۵۷۳۱۳ به استناد صورتجلسه مجمع صندوق مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۸ و مجوز به‌شماره ۱۲۲/۱۸۹۷۷۴ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۷ سازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد: صورت‌های مالی منتهی به ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ صندوق تصویب شد مؤسسه حسابرسی بیات رایان به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۶۸۴۸۳ و شماره ثبت ۱۹۱۰ به‌عنوان حسابرس صندوق برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۵/۰۷/۳۰ انتخاب گردید. روزنامه کثیرالانتشار ایران جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
شناسه ۲۱۴۷۰۶۳

ایران
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران
۱۸۷۷

نوبت اول
آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به شماره ۱۴۰۴/۰۵۱/اف/ت۱
ارائه خدمات شناور اسیدکاری به صورت Call Out
شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت فلات قاره ایران
شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه فوق الذکر را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی صرفاً از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir و شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۹۳۶۳۱۰۰۰۳۲۷ انجام خواهد شد. لازم است پیشنهاددهندگان در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار: تلفن: ۰۲۱-۲۳۹۴۲۵۵۶
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت:
مرکز تماس: ۰۲۱-۱۴۵۶ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸
روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران
شناسه ۲۱۴۶۱۸۳

آگهی مناقصه عمومی
۱-نام و نشانی مناقصه‌گزار: شرکت کشاورزی و دامپروری ملارد شیر (سهامی عام) به‌نشانی استان البرز، جاده سهیلیه، زعفرانیه به سمت شهرک کوروش انتهای خیابان حکمت شرکت کشاورزی و دامپروری ملارد شیر، تلفن تماس ۰۲۶۴۵۳۱۳۴۷۱
۲-موضوع مناقصه: شرکت کشاورزی و دامپروری ملارد شیر (سهامی عام) در نظر دارد نسبت به خرید درب خروجی فرم پارالل شیر دوشی ۸۰ واحدی بوماتیکی فرم ثابت از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید
بدین‌وسیله از کلیه متقاضیان ارجمند دعوت می‌نماید جهت دریافت اسناد مناقصه به سایت شرکت و یا به‌صورت حضوری به آدرس شرکت مراجعه و برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۶۴۵۳۱۳۴۷۱ داخلی ۴۰۳ آقای حقوردی تماس حاصل نمایند.
۳-مدارک مورد نیاز جهت تحویل اسناد مناقصه: برای اشخاص حقوقی معرفی‌نامه ممهور به مهر و امضای مجاز و تعهدآور متقاضی به‌همراه کارت شناسایی معتبر نماینده و برای اشخاص حقیقی نیز ارائه کارت ملی هوشمند و گواهی امضای ثبتی از دفاتر اسناد رسمی
۴-ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه: مبلغ ۳،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ریال به ضمانت‌نامه بانکی و یا واریز وجه نقد به‌شماره حساب ۵۹۹۸۹۸۸۲۸ بانک کشاورزی و دامپروری ملارد شیر
۵-زمان شروع مناقصه: ۱۴۰۵/۰۱/۱۶ لغایت ۱۴۰۵/۰۱/۲۶
۶-محل دریافت پاکت‌های مناقصه: شرکت ملارد شیر می‌باشد.
۷-آخرین مهلت ارائه پیشنهادات: تا پایان وقت اداری سه‌شنبه ۲۵ /۰۱/ ۱۴۰۵ می‌باشد.
۸-تذکرات:
الف) به پیشنهادات فاقد امضا، مخدوش، مشروط، مبهم، ناقص و پیشنهادهایی که پس از انقضای مهلت مقرر واصل شود، ترتیب اثر نخواهد شد.
ب) هزینه‌های مربوط به درج آگهی روزنامه و هزینه‌های برگزاری مناقصه به‌عهده برنده مزایده می‌باشد.
پ) شرکت کشاورزی و دامپروری ملارد شیر در قبول یا رد یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.
ت) درج این آگهی هیچ‌گونه تعهدی برای مناقصه‌گزار ایجاد نخواهد کرد.
ث) مشارکت به‌صورت سه پاکت می‌باشد که پاکت الف شامل ضمانت‌نامه و پاکت ب شامل رزومه و سوابق کاری و پاکت ج فرم قیمت‌گذاری می‌باشد.
ح) فرم قیمت‌دهی نیز در سایت قابل رؤیت می‌باشد که پیشنهادهای قیمت اعلام شده می‌بایست در فرم مربوطه ارائه گردد.